

نصاریان خوانساری، محمد تقی، ۱۳۲۵-

Ansariani Khansari, Mohammad Taghi

ستاره درخشان: آیت الله العظمی سید محسن طباطبائی حکیم (به کوشش و نگارش محمد تقی انصاریان خوانساری)

قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۹۷.

۹۶۰ صفحه، مصور (بیش رنگی)

ISBN: 978-964-219-597-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات زیر

۱- حکیم، محسن، ۱۲۶۷-۱۳۴۸.

۲- Biography - Ulama - Iran - Najaf

۸/۵۳/۵۳ BP

۴۹۷

۲- مجتهدان و علما - عراق - نجف - -- مرکز ششماه

۲۶۷/۳۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۴۳۱۹۶

ستاره درخشان

آیت الله العظمی سید محسن طباطبائی حکیم قدس

به کوشش و نگارش: محمد تقی انصاریان خوانساری

ناشر: انتشارات انصاریان

چاپ اول ۱۳۹۷ - ۱۴۲۱ - ۲۰۱۸

تعداد صفحات: ۹۶۰ ص.

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قطع: وزیری

شابک: 978-964-219-597-8



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

خیابان شهدا - کوچه ۲۲ - ص. پ ۱۸۷

تلفن: ۳۷۷۴۲۶۴۷ (۹۸) دورنما: ۳۷۷۴۱۷۴۴ (۲۵)

پست الکترونیک: int_ansarian@yahoo.com

www.ansariyan.org & www.ansariyan.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْأَمَّ كُنْ لَوْلِكَ الْحَجَّةُ بِنِ
الْحَجَّةِ مَلَوَانِكَ مَلَبَّهِ وَعَلَى
أَبَانِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ
سَاعَةٍ وَلِبَا وَحَافِظًا وَفَانْدَا ضَرًا
وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَى تُشْكِنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعُهُ فِيهَا طَوِيلًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
أبي القاسم محمد سيد المرسلين والائمة المسلمات
سيدة الامة والحي الفطاح المهدى محمد بن عبد الله
الجلو اجمعين ابن الزمان وكنية مكرم ابن محمد
الحسن بن علي العسكري بن الحسن بن علي الهادي بن
ابي جعفر محمد النقي بن الحسين بن علي بن ابي طالب
موسى الكاظم بن ابي عبد الله جعفر الصادق بن جعفر
القزويني بن محمد علي السجاني بن ابي عبد الله الحسين بن علي
سيد الشهداء اخي محمد الحسن بن علي بن ابي طالب
ابن مريم المؤمن بن الحسين بن علي بن ابي طالب

بسمه تعالی

به ساحت قدس قطب عالم حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان حجت ابن الحسن
العسکری روحی و ارواح العالمین له الفداء تقدیم می نماییم.
ثواب آن را به ارواح منور و مطهر شهدا به ویژه شهدای والامقام عاشورای حسینی اهداء
می کنیم.

امیدوارم خداوند باریک و تعالی به حق ائمه معصومین علیهم السلام به ما توفیق دهد تا بتوانیم در
راهی که پیس گرفته ایم، هم فک و مؤید باشیم، ان شاء الله.

با تشکر و قدردانی از مؤسسات و نهادهای و اشخاص محترمی که در تدوین و تنظیم
این کتاب با ما همکاری داشتند:

کتابخانه معظّم آیت الله العظمی حکیم - نجف - شرف

کتابخانه تخصصی ایران و اسلام - قم

کتابخانه حوزه علمیه ولی عصر علیه السلام - خوانسار

مرکز کتابشناسی شیعه - قم

مرکز اسناد انقلاب اسلامی - تهران

مجله وزین حریم امام - قم

آیت الله حاج سید احمد اشکوری

آیت الله سید ریاض حکیم

حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد شهرستانی

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد مهدی نجف

حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ رضا مختاری

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ داوود نعیمی

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ جواد مشایخی

حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی آقا حیدر قیسی

حجت الاسلام والمسلمین سید شریعت موسوی اصفهانی

حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالرحمن انصاری قمی

حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر اشکوری

حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالعزیز جواد کلا

حجت الاسلام والمسلمین علی سلیمانی بروجردی

حجت الاسلام شیخ مصطفی مشهدی

حجت الاسلام شیخ محمد حسین انصاریان

حجت الاسلام سید نصیر کماری

دانشمند و فاضل محترم رحیم قاسمی - اصفهان

آقایان محترم و مکرم حاج علاءالدین نجف، احسان حلمی، حامد انصاریان، روح الله

زارعی، محمد باقر حسینی

تذکر: اکثر پاورقی های کتاب مربوط به تنظیم کننده کتاب (انصاریان) می باشد،
لطفاً خوانندگان محترم ما را از راهنمایی های خود برخوردار فرمایند.

فهرست

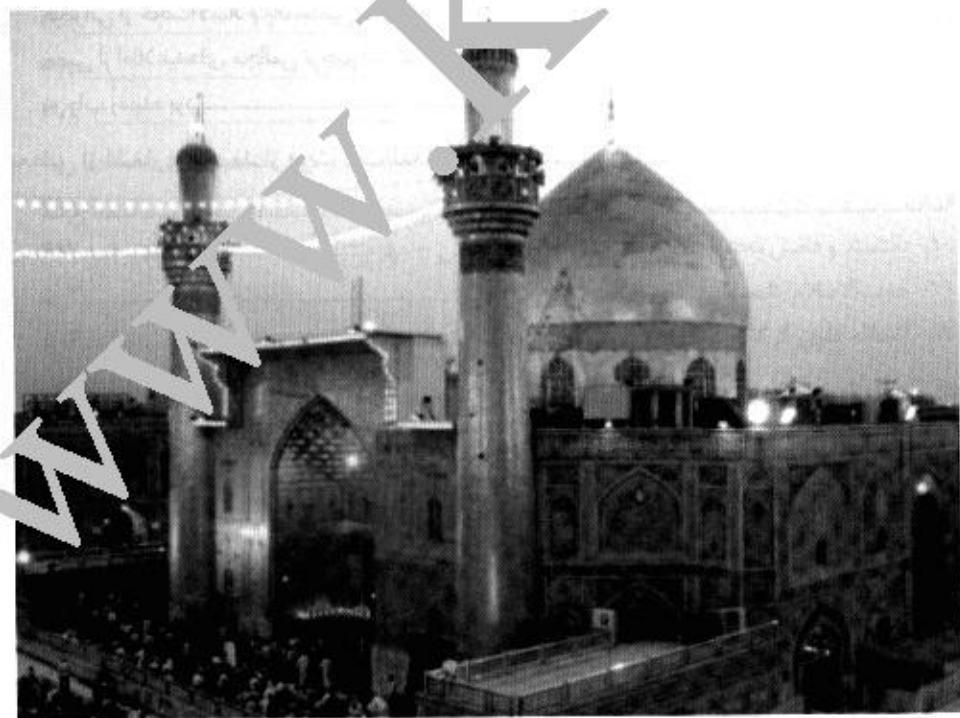
۱۳	مقدمه
۲۷	سجده زندگانی آیت الله العظمی سید محسن طباطبایی حکیم
۲۸	شجره نامه
۲۹	شماره از زندگانی پر فایده و سراسر نور آیت الله العظمی حکیم
۳۴	اساتید
۳۶	همه مباحث آیت الله العظمی حکیم
۳۷	تألیفات آیت الله العظمی سید محسن حکیم
۴۳	تقریرات درس آیت الله العظمی سید محسن حکیم
۴۶	شرحی مختصر از سر ندان آیت الله العظمی سید محسن حکیم
۵۲	شرحی مختصر از داماد آیت الله العظمی سید محسن حکیم
۵۳	شاگردان
	نام بعضی از آیات و حجج اسلامی که از آیت الله العظمی سید محسن حکیم اجازه امور حسبه و روایی داشتند:
۷۲	بعضی از وکلای آیت الله العظمی حکیم در کشورهای دیگر که به کارهای دینی و علمی و اجتماعی مردم می پرداختند:
۸۰	خدمات آیت الله العظمی سید محسن طباطبایی حکیم
۱۰۸	مساجد و حسینیه ها
۱۱۰	مدارس
۱۱۰	مجلات و کتاب ها
۱۱۱	ضریح مطهر حضرت ابوالفضل العباس (ع)
۱۱۵	کتاب «سفرنامه کاروان کربلا»
۱۱۷	آیات عظام حکیم، سید عبدالله نقه الاسلام و سید ضیاء الدین علامه
	درسی عبرت آموز از توجه دقیق
۱۳	نذری و روشنایی حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس (ع)
۱۳۹	عزیز گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای شریعت
۱۴۰	اعزام علما به بلاد مختلف در عراق و کشورهای دیگر
۱۴۲	تشکیل مؤتمرات
۱۴۵	هیئت هایی که در معیت آیت الله حکیم به جمع مردم می پیوستند
۱۴۷	کتابخانه ها

- آیت الله العظمی سید محسن حکیم و احترام اقران، آیات و مراجع بزرگ در مراحل مختلف به معظم له و احترام متقابل ایشان..... ۱۶۵
- ۱- زعیم و مرجع عالی قدر آیت الله العظمی حاج سید حسین بروجردی..... ۱۶۶
- ۲- آیت الله العظمی سید احمد خوانساری..... ۱۶۷
- ۳- آیت الله العظمی امام خمینی..... ۱۶۸
- ۴- آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی..... ۱۷۱
- ۵- آیت الله سید محمد بهبهانی..... ۱۷۴
- ۶- آیت الله العظمی سید محمد باقر شریعتمداری..... ۱۷۴
- ۷- آیات عظام حکیم خمینی، گلپایگانی، مرعشی نجفی و شریعتمداری..... ۱۷۶
- ۸- آیت الله العظمی سید حسین شبیری زنجانی..... ۱۷۷
- ۹- آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی..... ۱۷۹
- ۱۰- آیت الله العظمی سید محمد باقر حبوبی..... ۱۸۰
- ۱۱- آیت الله میرزا علی آقا قاضی تبریزی..... ۱۸۱
- ۱۲- آیت الله سید محمدصادق بحر العلوم..... ۱۸۱
- ۱۳- آیت الله آخوند ملا فتحعلی سید علی..... ۱۸۲
- ۱۴- آیت الله محمدهادی معرفت..... ۱۸۳
- ۱۵- آیت الله العظمی مکارم شیرازی..... ۱۸۳
- ۱۶- آیات شیخ محمدطاهر راضی، میرزا محمدباقر ریحانی و شیخ حسین حلی..... ۱۸۴
- ۱۷- آیت الله سید محمد عاملی..... ۱۸۵
- ۱۸- آیت الله شیخ ابراهیم جناتی..... ۱۸۶
- ۱۹- آیت الله محمد حسن مزاری افغانی..... ۱۸۸
- ۲۰- آیت الله علامه سید عبدالحسین شرف الدین..... ۱۸۹
- ۲۱- آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی..... ۱۹۰
- ۲۲- یکی از روحانیون والا مقام که حوزه علمیه نجف و قم را درک کرده و از مدرسین بود..... ۱۹۰
- ۲۳- آیت الله العظمی سید مهدی شیرازی..... ۱۹۱
- ۲۴- علامه آیت الله شیخ اختر عباس پاکستانی..... ۱۹۱
- ۲۵- آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی نقل کردند:..... ۱۹۱
- ۲۶- آیت الله حاج سید مصطفی علوی لاری..... ۱۹۳
- ۲۷- آیت الله سید محمد مفتی الشیعه..... ۱۹۴
- ۲۸- آیت الله حکیم و احترام به استادش آیت الله العظمی میرزای نائینی..... ۱۹۵
- ۲۹- آیت الله العظمی طباطبایی حکیم و حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد شهرستانی..... ۱۹۶
- ۳۰- آیت الله حکیم و طبیبی حاذق..... ۱۹۸

۱۹۹.....	۳۱- آیت‌الله سید طیب آقا جزایری
۲۰۰.....	۳۲- جاروب کشی حرم مطهر ابا عبدالله الحسین (ع)
۲۰۰.....	۳۳- امر به معروف و نهی از منکر و نفوذ کلام
۲۰۱.....	۳۴- آیات عظام سید محسن حکیم و سید علی سیستانی
۲۰۳.....	۳۵- آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شیخ محمدحسین نجفی عاملی معروف به تنکابنی مقیم تهران
۲۱۰.....	۳۶- آیت‌الله العظمی میرسید علی یشربی
۲۱۱.....	۳۷- داستان کربلایی کاظم (حافظ قرآن) و آیت‌الله العظمی حکیم
۲۱۲.....	۳۸- آیت‌الله سید کاظم موبنی
۲۲۳.....	کتاب‌ها، مجلات، رسالات و گفتگوها در مورد آیت‌الله العظمی حکیم
۲۲۵.....	کتاب‌ها
۲۲۶.....	۱- کتاب «آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم»
۲۳۸.....	۲- گلشن ابرار جلد ۲
۲۵۵.....	۳- خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سامی
۲۵۸.....	۴- آیت حق جلد ۱
۲۶۲.....	۵- در شعاع جانان
۲۶۶.....	۶- ذکریات
۲۶۸.....	۷- دانشمندان مشکین شهر جلد ۱
۲۷۰.....	۸- بیت المقدس مدینه کل الادیان
۲۷۲.....	۹- کتاب سال ۱۳۵۰ سالنامه شهرت ماه
۲۸۱.....	۱۰- فقیه خراسان
۲۸۴.....	۱۱- آیت‌الله آقای حاج سید جعفر کریمی بابلی
۲۸۹.....	۱۲- وفای به عهد
۲۹۱.....	۱۳- ما سمعت ممن رأیت (آنچه شنیدم از آنان که دیده‌ام)
۲۹۳.....	۱۴- کتاب اقلیم خاطرات اثر دکتر فاطمه طباطبایی
۲۹۴.....	۱۵- کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری
۲۹۵.....	مجلات
۳۰۰.....	۱- مکتب اسلام سال یازدهم شماره ۷ تیرماه ۱۳۴۹ش
۳۰۳.....	۲- نور علم دوره دوم شماره دوازدهم
۳۰۶.....	۳- صفیر حیات سال دوم شماره ۷ فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵ش
۳۱۰.....	۴- خواندنی‌ها
۳۱۱.....	۵- حریم امام

۳۳۳	مقالات
۳۳۴	۱- خاطرات و یادبودهایی از خاندان معظم حکیم
۳۶۱	۲- مرجعیت و زعامت آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم
۳۷۳	۳- رفتار آیت‌الله العظمی حکیم هنگام ورود به بقیع مطهر
۳۷۸	۴- نقش آیت‌الله حکیم در گسترش شیعه
۴۰۱	۵- مَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
۴۰۸	نوشته و خاطره‌ای ماندگار از دکتر احمد مهدوی دامغانی
۴۲۰	۷- آیت‌الله العظمی حکیم: زرگمرد جهاد و اجتهاد و هدایت و زعامت
۴۳۰	۸- خاندان راست، سبکبال و دور از هر گونه دلبستگی‌های مادی و وقف مکتب اهل بیت (ع) تربیت کرد
۴۳۵	گفتگوها
۴۳۶	۱- یادبودها و خاطرات آیت‌الله شیخ محی الدین مامقانی
۴۵۷	۲- حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد رزق حسینی
۴۶۴	۳- حجت‌الاسلام والمسلمین سید حیدر حدادی
۴۶۷	۴- استاد سید عبدالستار حسینی
۴۶۹	۵- حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد باقر
۴۷۳	۶- حجت‌الاسلام والمسلمین شهید شیخ فضل الله محلاتی
۴۷۵	۷- آیت‌الله سید سعید اختر رضوی
۴۸۰	۸- آیت‌الله کاتبی مرنندی
۴۹۱	۹- آیت‌الله آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی
۴۹۷	۱۰- دانشمند و فاضل محترم آقای دکتر شکرالله جهان مهین - چهارم
۵۰۲	۱۱- حجت‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالفتح الهی نیا
۵۰۴	۱۲- آیت‌الله علوی گرگانی
۵۰۵	اسناد (اجازه امور حبسیه)
۵۰۶	مقدمه‌ای کوتاه بر اسناد
۵۱۳	اسناد (اجازه امور روائی)
۶۷۱	مکاتبات
۷۷۱	حدیث الامام الحکیم مع رئیس الوزراء
۷۷۵	مکاتبات آیات عظام حکیم و سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی
۷۸۷	مکاتبات آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله روح‌الله کمالوند خرم آبادی

مکاتباتی فیما بین آیت‌الله العظمی حکیم و دیگران راجع به آیت‌الله حاج شیخ محمود حلبی.....	۷۹۲
مکاتبات آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا خدائق - شیراز.....	۷۹۷
مکاتبات آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله سید جواد حیدری یزدی.....	۸۱۴
مکاتبات آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله سید احمد پیشوا کازرونی.....	۸۲۵
مکاتبات آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک حسینی.....	۸۲۸
مکاتبات آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله شریعت موسوی اصفهانی.....	۸۳۳
تذکره‌ها.....	۸۳۶
استفتائات.....	۸۵۳
خاندان آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم.....	۹۱۱
پسران و نوادگان آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم.....	۹۱۴
دامادها و نوادگان آیت‌الله العظمی سید حسن حکیم.....	۹۲۱
رحلت.....	۹۲۵
آیت‌الله العظمی حکیم به لقاءالله پیوست.....	۹۲۶
خبر رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در جریان سال ۱۳۴۹.....	۹۴۱
خاطراتی از حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد تقی.....	۹۴۶
بعضی از اطلاعاتی‌های مجالس ترحیم آیت‌الله العظمی حکیم که در روزنامه «جنگ» و دیگر جرائد پاکستان به چاپ رسیده بود.....	۹۴۷
بعضی از اشعاری که بعد از فوت آیت‌الله العظمی حکیم سروده شد.....	۹۵۵
منابع.....	۹۵۹



مقدمه

www.Ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- در بین تشرفات به نجف اشرف و زیارت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام، خصوصاً وقتی برای برگزینی نمایشگاه کتاب مشرف می شدیم، روزی موفق به دیدار زعیم و مرجع والامقام آیت الله العظمی سیستانی شدم و کتاب «شمع همیشه فروزان» که مربوط به آیت الله العظمی خویی رحمته الله می باشد را تقدیم ایشان نمودم، بسیار خوشحال شدند و دعا فرمودند و بعداً توسط بناب بخت الاسلام والمسلمین حاج آقا مجتبی فقیه ایمانی، از روی لطف و تفقد پیغام دادند که «ار خوار است اما از علمیت و مظلومیت آقای خویی کمتر نوشته شده است و همین اظهر تقدیر این ایه دلگرمی ما شد.

و علاوه بر ایشان بسیاری از بزرگان و دوستان به تعجید از جمع آوری مطالب درباره بزرگان پرداختند و خیلی ها حضوراً یا در سربو میل و یا تلفنی می پرسیدند، خوب حالا می خواهید درباره چه کسی بنویسید؟ به بی هم که خودشان نمی آمدند، کسی را می فرستادند تا ضمن صحبت های مختلف، سوال کنند که این «بعد از چهار کتاب، مشغول به کدام یک از علما می شود». حقیر خودم بر اثر «کسی و کسادى فوق العاده بازار و مشکلات چاپ و نشر، تصمیمی نداشتم که کار دیگری را شروع کنم تا مدتی بعد دیدم درباره آیت الله العظمی سید محسن حکیم، کتاب ها و مجلات زیاد به زبان عربی موجود می باشد اما به زبان فارسی کمتر نوشته ای وجود دارد و ایرانیان کمتر از زندگان در خدمات معظم له می دانند مگر آنها که با کتاب های فقهی سرکار دارند و از راه مطالعه کتاب «مستمسک العروه» به عظمت علمی ایشان پی برده اند. لذا تصمیم بر آن گرفتم که در مورد شخصیت و خدمات فرهنگی، دینی، مردمی ایشان مطالبی را به رشته تحریر درآورم تا برای حال و آیندگان آموزنده و مثمر ثمر باشد.

۲- در بین مطالعه کتاب‌ها، تماس با بعضی از شاگردان، سخنان برخی از نوادگان و اقوام آن مرجع عظیم الشان، مطالب عجیبی برای ما روشن شد که مصمم بر نگارش کتابی در حالات زندگی آیت‌الله حکیم شدیم. و آن را «ستاره درخشان» نامیدیم.

و راستی به جمع آوری مطالب این کتاب با هیچ کس مشورت نکردم و با کسی هم در میان گذاشتم زیرا دیدم اگر بگویم فوراً پخش می‌شود و بر اثر مراجعات زیاد از کار اصلی باز می‌مانم. به قرآن مجید تفسیری زدم که بسیار مناسب و خوب آمد و لذا با مدد الهی و الطاف معصومین علیهم‌السلام به میم گرفته و شروع کردم. امیدوارم با نیت خیری که داشته و دارم این کتاب هم مانند سایر کتاب‌ها از جمله احیای امری از اوامر ائمه طاهرين علیهم‌السلام بوده و اثرات مثبت و خوبی در بر داشته باشد.

۳- آیت‌الله العظمی حکیم، انسانی کریم النفس و ملیم النفس بود؛ جز برای خدا و در راه خدا فکر نمی‌کرد؛ هر قدمی را که بر راه نبوت و جادوئی و جامعه بر می‌داشت جز برای خدا نبوده؛ مسئله دگردوستی و ساده زیستی ایشان در مقابل خود دوستی زبانتزد بود؛ خود را از هر لحاظ به زحمت می‌انداخت تا دیگران راحت و آسوده باشند و خدا محوری در او موج می‌زد و یکی از کسانی بود که به قله خدا محوری رسید. بود توجه به بینوایان و یتیمان و پرهیز از همراهی با حکومتیان و هدایت انسان‌ها برای مقابله با ظلم از جمله امتیازات معظم‌له بود که همه در این باره تعجب می‌کردند.

۴- یکی از آقایان می‌فرمود شما وقتی کتاب به این خوبی می‌نویسی، لازم نیست به کارهای مثبت افراد به نقاط منفی هم اشاره می‌کردی؛ من خیلی ناراحت شدم و یادم آمد که در جواب گفتم شما غیر از معصومین علیهم‌السلام کسی را دور از خطا و اشتباه می‌بینید و در ثانی در این موقف حساس مکتب تشیع و این همه دشمن و دشمنی بخصوص راجع به روحانیت، می‌گویید منفی‌ها را چرا نیاوردید؟ باید از نقاط منفی، اگر هم خدای ناکرده بوده

درگذریم، آنقدر مثبت وجود دارد که منفی در آن ناپیداست، و باید در نظر داشته باشیم کسانی که ما آنها را در قله تقوا و خداپرستی و می دانیم و هر عملی انجام می دهند و هر کلمه ای می گویند جز خداوند تبارک و تعالی نیت دیگری در نظرشان نیست چرا چنین فکری درباره ایشان می نماییم. کمی فکر کنیم و ظواهر محیط امروز را با باطن و تیات افراد مخلوط نکنیم تا مسایل برایمان واضح تر شود. آن آقای محترم و عزیز توجهی فرمود و پیدا بود از آنکه خود ایمان است و گفت: بله واقعاً باید قدرشناس این افراد باشیم.

آنگاه شیخ کردایی به آیت الله العظمی حکیم مطالبی بسیار آموزنده و سازنده گفت که حقیر نتوانستم آنها را ثبت ضبط کنم و می گفت در مورد مسائل علمی ایشان همین بس که کتاب شریف «عروة الوثقی» معظم له را مدنظر بگیریم که بعد از کتاب مهم فقهی «جواهر الکلام»، می شود کثیف از بهترین کتاب های فقهی و راه گشای مسائل فقهی محترم است و واقعاً باید از سلف که در این باره ابتکارات و نواندیشی و نوآوری فقهی داشتند، این طرز وارد مسائل اصیل فقهی شده اند.

۵- بعضی تصور دارند که آیت الله العظمی حنینی و - شیخ دینانی آقایان تنها به دروس حوزوی مشغولند و کارهای دیگری ندارند اما اگر تحقیق و تفحص کنیم می بینند که چه کارهای زیادی در جامعه و امورات مردم انجام می دادند. آیت الله حکیم همزمان با آیت الله العظمی بروجردی رحمتهما به عنوان اعلم علما در ایران و نجف اشرف مطرح شدند و عراق، ایران و پاکستان و هندوستان و دیگر بلاد مقلد داشتند. زیرا آیت الله حکیم در حوزه نجف اشرف با سنی، شیعه و دیگر ادیان و حکومت های جانر آن زمان و دیگر مسائل مواجه بود اما آیت الله العظمی بروجردی این مشکلات را کمتر داشت و همه تقریباً یک امت شیعی بودند و در مملکت شیعه زندگی می کردند.

۶- خاطره‌ای دارم در کتاب «مرجع متقین» که راجع به آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خوانساری است مفصلاً نوشته شده خلاصه‌اش اینکه بعد از آیت‌الله العظمی بروجردی، حقیر مقلد آقای خوانساری شدم، یادم هست در مسجد حاج عزیزالله تهران برای شرکت در نماز جماعت حضورشان شرفیاب شدم و عرض کردم حضرت آقا من مقلد شما هستم ولی اجازه بدهید بعضی از مسائل را به دیگری مراجعه کنم. فرمودند: بسم الله، بسم الله، مرضی؟ من به چه کسی رجوع کنم؟ فرمودند: آن را از من نپرسید ولی من مصرانه گفتم: عطفاً به شما فرمایید. حتماً دیدند جوانی مؤدب در صف نماز جماعت سوال می‌کند چرا جواب ندهت؟ فرمودند بله، آقای حکیم و دیگر نام کسی را نبردند و این عظمت و شخصیت آیت‌الله سید را می‌رساند.

۷- در یادداشت‌های شخصی مردم می‌خوانم که آقایان حجج الاسلام سید اختر رضوی، سید شمیم السبطین رضوی، سید حسین حیدر جوادی، شیخ اختر عباس و تعدادی دیگر از علما و دوستان قدیمی حوزة نقی نقل می‌کردند: ما با اینکه شاگرد آیت‌الله سید محسن حکیم نبودیم و خیلی هم با بیت ایشان رفت و آمد نداشتیم و درس حوزوی آن روز ما در حوزه مبارکه نجف اشرف شرکت در درس‌های ایشان - برگه‌ای چون آیت‌الله حاج میرزا باقر زنجانی، آیت‌الله حمادی، آیت‌الله حاج سید جمال کلان، آیت‌الله خونی و دیگران بود که اینها همه از مدرسین عالی مقام آن روز حوزه بودند - بعضی در شرف مرجعیت بودند.

در عین حال وقتی عازم مسافرت به پاکستان و هندوستان و آفریقا مخصوصاً تانزانیا می‌بودیم، آقای حکیم مراحمی مخصوص می‌فرمودند و اجازه بصورت شفاهی و مکتوب می‌دادند و نامه به آقایان آن سامان‌ها می‌نوشتند و سفارش می‌فرمودند تا کار تبلیغ و ترویج فرهنگی و دینی بویژه در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و تشیع را در آنجا شروع کنیم و

عجیب این بود که پیگیری می کردند و دستوراتی می دادند و این دقت و توجه و آینده نگری و روشن بینی و جهان بینی را آن آیت عظمی داشت و بحمدالله بعد از ایشان و یا هم زمان با ایشان بعضی دیگر از عالمان و مراجع بزرگ همانند آیت الله العظمی خویی وارد عرصه بین الملل شدند و چه خدمات بسیاری را برای مکتب تشیع کردند که هنوز ثمرات آن باقی است و اکنون تحت نظارت عالی آیت الله العظمی سیستانی اداره می شود.

۸- در بیت امام رضا (ع) شیخ محمدحسین فرزند عزیزم در محضر یکی از آیات بودیم، صحبت با ایشان و در حوضه ها به میان آمد و تعطیلات زیاد، فرمودند: وقتی ما در نجف و کربلا سفر به درس و تحصیل اشتغال داشتیم تعطیلی در آنجا معنی نداشت و حتی شب ها و روزها جمع به درس های جنبی حوضه می رفتیم و از محضر اساتید بزرگ استفاده می کردیم. بخاطر این که آیت الله حکیم با وجود کهولت سن و مریضی و بویژه بیماری ریوی حاضر نبودند و برای درمانی شدید نجف و نداشتن لوازم مخصوص برقی مثل امروز که در اکثر اماکن وجود دارد، درس را تعطیل کنند، حتی چند وقتی که به کربلا یا سامراء و یا کاظمین مشرف می شدند به تدبیرش مشغول بودند و این قضیه در حوضه های عراق معروف و مشهور و مشهود بود.

۹- داستان عجیبی که به نظرم از آیات خفیه الهی و تحیرآور است بنکته ای از اجداد آیت الله حکیم در حدود پنج قرن قبل زمان صفویه در اصفهان زندگی می کردند نام شریفش میر سید علی طبیب حکیم بود برای زیارت عتبات عالیات مشرف می شدند. آنجا که نجف اشرف که اوصاف او را شنیده بودند از وی درخواست می کنند تا در نجف بماند و او هم قبول می کند و رحل اقامت می افکند و خدمتکار و خدمتگذار مردم عموماً و علما و دانشمندان خصوصاً می شود. مدتی بعد خداوند متعال به یکی از نوادگانش فرزندی می دهد که نامش را «سید مهدی» می گذارند و چندی بعد، از سید مهدی که خود فردی

بزرگوار و عالی مقام بود، فرزندی پا به عرصه دنیا می گذارد که نام شریفش را سید محسن می گذارند و بعدها به خواست خداوند تبارک و تعالی، آیت الله العظمی سید محسن حکیم شد که واقعاً زندگیش جاودانه و پربرکت بود و هست.

۱۰. یکی از آقایان محترم که از شاگردان و ارادتمندان آیت الله حکیم بود می فرمود: هر شخصی که به حضورش می رفت، سادگی و بی تکلفی و دوستی و مودت ایشان را احساس می کرد. درین فروتن و متواضع بود، مثل اینکه یکی از دوستان و برادران خود در کنارش نشسته است. حقیقتاً روح وسیع و با عظمتی داشت که البته همه افراد درک نمی کردند مگر آنان که بی غرضان بوده و معرفت داشتند.

آیت الله العظمی حاج آقا موسی زنجانی از قول آقای سید علی لواسانی نقل می کنند:

در درس آقای حکیم، بحث درباره پرستو^۱، که آیا خون جهنده دارد یا ندارد. آقای حکیم فرمودند ندارد، چون در منزل ما پرستویی بود و من سرش را بریدم و خون جهنده نداشت. آقایی که در درس حاضر بود به آقای حکیم گفت: «ان پرستو از خارج از منزل شما آمده بود یا در منزل شما زندگی می کرد؟» آقای حکیم فرمودند: از خارج نیامده بود که آن آقا به صورت مزاح گفته بود: حیوان در منزل شما چیزی گیرش می مد تا بخورد و خون جهنده تولید بشود. آقای حکیم فرمودند: لا اله الا الله.^۲

۱. بعضی از آقایان محترم می گویند: آن پرنده، پرستو نبود بلکه خفاش بود که درباره اش بحث می کردند.

۲. سیدی را که آیت الله زنجانی می فرمایند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید حبیب الله خادم الشریعه خوانساری بودند. وی داماد آیت الله حاج شیخ علی اکبر مقیمی خوانساری پدر آیت الله حاج شیخ محمدکاظم خوانساری که از نزدیکان آیت الله العظمی خویی در نجف و بعد از آن در بیت آیت الله العظمی گلپایگانی و بعد آیت الله العظمی صافی گلپایگانی بودند و همانند پدر بزرگوارش حاج شیخ علی اکبر مقیمی خوانساری که

واقعاً آیت‌الله سید محسن حکیم همچون بقیه مراجع، کیان تشیع را با درک و فهم وافری که داشت از دست ظالمان و جبّاران و طواغیت زمان خویش حفظ و حراست نمود. و تاریخ بر این مدعا گواهی می‌دهد به شرط آنکه پژوهش و تفحص شود تا نتیجه خوبی است آید.

- به هر روی آقای حکیم دروس مقدماتی را نزد فضلا و مدرسین حوزه علمیه نجف آموز و یاد گرفت. در این جوانی آن وقتی که بیست سال بیشتر نداشت به درس آن آیت و زعیم و مولانا لایق آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی رحمته الله وارد شد و بعد از رحلت آن بزرگوار به درس آیت‌مقام آقا شیاء عراقی و میرزا حسین نائینی رفت و دروس معنوی خود را نزد آیت‌الله سید محمد حسین حبوبی آموخت و به درجه اعلای آن رسید. و بعد مدتی یعنی حدود سال‌های ۱۳۳۴ قمری درسی خارج ایشان برپا شد و عده زیادی از فضلاء جوان حوزه علمیه نجف آن سال از آن بهره‌مند شدند.

ایشان تألیفاتی در بحث‌های فقهی و اصولی دارند که مهمترین آنها «مستمک العروة الوثقی» شرحی است بر «عروة الوثقی» تألیف آیت‌الله العظمی سید کاظم طباطبایی یزدی.

یکی از بزرگان و مراجع عالیقدر حوزه علمیه نجف اشرف نقل می‌فرمود: «وقتی درباره سیاست از آیت‌الله حکیم سؤالاتی کرده بودند، فرموده بود: «اگر سیاست اصلاح امور با جمع با اصول صحیح عقلانی است، بسیار خوب و مکتب اسلام و اهل بیت علیهم السلام و تشیع هم می‌تواند از آن بهره‌مند می‌شود و اگر معنی و مفهوم دیگر برایش متصور است آن سیاست دینی نیست».

در بیت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی مقرر و کاتب بود، راه پدر را ادامه می‌داد. ضمناً مرحوم آقا سید حبیب همان سید مورد نظر، عموی والده حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین استاد حاج شیخ حسین انصاریان خطیب و نویسنده توانا نیز بودند و انسانی بسیار والا و متقی و خدمتگزار مردم و طلاب بود.

۱۲- خدمات فرهنگی و دینی و حوزوی و حتی برون مرزی از اهداف آیت‌الله العظمی حکیم بود و حتماً پیش بینی می‌کرد که اگر این کارها انجام نشود چه به سر اسلام و مسلمین و شیعیان خواهد آمد. از ابتدای مرجعیت شروع به اعزام مبلغین از نجف به بلادها، مختلف و پذیرش دانشجویان و طلاب خارجی در حوزه علمیه نجف کردند. از سر خدمات ایشان، تأسیس مراکز مختلفی از جمله کلیه اصول‌الدین در بغداد، مرکز جهانی اهل بیت (ع) در لندن بود که مرکز اهل بیت (ع) با همکاری آیت‌الله سید مهدی حکیم و علامه آیت‌الله سید اختر رضوی بود و از علامه آیت‌الله سید اختر رضوی خواستند تا طلاب را در حوزه نجف اشرف بفرستند و در آنجا به درس و بحث دینی مشغول باشند.

مردم آفریقای شرقی بویژه تانزانیا بسیار از آیت‌الله العظمی حکیم درخواست کردند که شخصیتی از روحانیون محترم را برای تبلیغ کلمه اهل بیت (ع) و برای رسیدگی به شیعیان از حوزه نجف به آن سامان اعزام کند که آیت‌الله العظمی حکیم، علامه سید اختر رضوی را به آنجا فرستادند.

در عین حال و با گرفتاری‌های داخلی عراق و ظلم ظالمان به خود آنقدر به فکر آینده شیعه در دنیا بود که تصورش را نمی‌توان کرد و به این سبب یکی از فتنه‌ها را روانه لندن می‌کند که به مسلمانان و بخصوص شیعیان آن سامان و نقاط دیگر دنیایی نمایندگی او هم با دانایی و بینشی که داشت با افراد برجسته ملاقات‌هایی می‌کرد و از آنجا می‌طلبید. گویا اول مخفیانه به ایران آمده و با آیات عظام و مراجع تقلید ملاقات‌هایی داشته و شور و مشورت می‌نماید که نمونه‌ای از آن که در دسترس ما بود در اینجا نقل می‌نماییم و آن ملاقات ایشان با آیت‌الله العظمی شریعتمداری است.

یکی از همراهان ایشان نقل می‌کرد: بعد از ملاقات با آقای شریعتمداری، در وصف

ایشان این گونه گفت: وی یک مرجعی عاقل و آشنا به مسائل اجتماعی، سیاسی و آینده‌نگر است و نه تنها از اطلاعات بی‌نظیری از ایران بلکه به اکثر مسائل جهان آگاهی دارد و نقشه‌های شوم دشمنان اسلام بویژه شیعیان در جهان را می‌داند و مترصد فرصت است تا بجایی که می‌تواند این نقشه‌ها را نقش بر آب کند. گویا این گزارش را به والدینش وارش آیت‌الله العظمی حکیم داده و ایشان نیز به خوبی تحسین و تقدیر کرده‌اند.

۱۳- در غرض از سر و رشته‌هایی از آقایان محترمی که به درس و بحث آیت‌الله العظمی حکیم می‌رفتند دیدم که وقتی کسی بخصوص طلاب و مدرسین و شاگردانش وقت خصوصی می‌خواستند با کمال احترام قبول می‌کرد. کسی نقل می‌کرد من یک کار خصوصی داشتم وقت نماز در حمام مطهر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خدمتشان رسیدم و بعد از سلام و احوال‌پرسی عرض کردم منی خصوصی می‌خواهم تا مطلبی را به عرضتان برسانم فرمودند: بیایید مرا همراهتان از ریارت به بیت محترمشان رفته و هنگامی که وارد اطاق شدم دیدم دو نفر از بزرگان که جزء جلسه استفتاء و مشاورین معظم‌له بودند نشسته‌اند و به مجرد ورود حقیر، آن دو نفر عذر خواهی کردند که ایشان از من وقت خصوصی خواسته است و خواهشمندم بیرون از اطاق تشریف داشته باشید تا حرفشان را بزنند من از ادب و تواضع و نفوذ کلام ایشان که همه‌اش برای خدا بود متحیر شدم به هر حال مطلبم را به عرض ایشان رساندم و جوابی شنیدم و خارج شد و من با محبت و آرام بودند که تصورم خیلی سخت است به قول آن آقا «شنیدن کی بود مانند دیدن».

۱۴- یکی از آقایان می‌فرمود نه فقط با محبت و ملاطفت جواب سلام همه را می‌دادند بلکه دست روی سینه‌شان می‌گذاشتند و جواب می‌فرمودند نه برای روحانیون بلکه برای همه مردم کوچه و بازار و این یکی از بارزترین اخلاق حسنه معظم‌له بود.

حجت الاسلام والمسلمین صمدی داماد آیت الله العظمی حاج آقا علی صافی گلپایگانی نقل کردند: در محضر آقای حاج آقا علی صافی مشرف بودیم، فرمودند:

وقت در نجف اشرف بودم بعد از زیارت آقا امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام به دیدن آیت الله العظمی حکیم رفتم؛ ایشان آنقدر مؤدب، متواضع و با کرامت بود که زبانزد همه به خصوص علما بودند. در همان وقت یک آقای که فقط عربی بلد بود، وارد شد و آقای حکیم بایا با او به عربی صحبت می کردند اما قبل از شروع به حرف زدن با آن آقا به من رو کردند و سرودند: جاز می فرماید با این آقا صحبت کنم و ضمناً باید عربی حرف بزنم و ببخشید اساتید عربی به ما نشود و عذرخواهی می کردند و من از این همه بزرگواری و ادب تعجب کردم.

جا دارد از آقایان و آیات محترمی که در بیت محترم و معظم آیت الله العظمی سید محسن حکیم همکاری صمیمانه ای دارند و مؤثرین و از مشاورین معظم له بودند یاد نمائیم و برایشان از خداوند تبارک و تعالی رخصان و غفران طلب کنیم.

با خود فکر می کردم چگونه سید محسن بعد از سال ها «آیت الله العظمی سید محسن حکیم» به ابیاتی از حکیم سنایی غزنوی برخورد کردم که نقل آن را مناسب دیدم:

سال ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب	لعل گردد در بدخشانی: «میک آذر یمن
قرن ها باید که تا صاحب دلی پیدا شود	بوسعید اندر خراسان و یس اندر ن
سال ها باید که یک کودکی از روی طبع	عالمی دانا شود یا شاعری شیرین سخ
ماه ها باید که یک پنبه دانه ز آب و گل	شاهدی را خلّه گردد یا شهیدی را کف

۱. آیات: شیخ محی الدین ممقانی، شیخ محمد رشتی، سید مرتضی خلیلی، شیخ محمد جواد آل راضی، سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی و سید صادق علیشه هندی. از دوستان نزدیک که بسیار همدیگر را دوست می داشتند و همکاری می کردند آیت الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی.

بعد از مطالعات کتب فارسی و عربی و بعد از شنیده‌های شفاهی از بزرگان و علما و مجتهدین حوزه علمیه نجف و قم و دیگر بلاد با خود فکری کردم اگر خداوند تبارک و تعالی، آیت‌الله العظمی حکیم را در آن مقطع از زمان و مکان به ملت و مکتب تشیع عنایت نمروده بود چه بر سر شیعه و حوزه کهنسال نجف اشرف و حتی قم می‌آمد؛ می‌دانم، ظاهر قضیه این است البته باطن را خدا می‌داند و بس. آری آیت‌الله حکیم که مدت هفتاد و نه سال رهبر و استادش آیت‌الله سید محمد حبوبی در متن سیاست بود در حالی که از درس و بحث و تدریس لحظه‌ای غافل نشد اما وای بر مردمی که در زمانش بودند و به ویژه شیعیان و آنهایی که در آن سامان می‌زیستند آنقدر نمک‌شناس که همه آخرتشان را برای دنیا شان فروختند، آن همه آزار و اذیت از کسانی که متوقع نبود، از دشمن چه بعثی و غیره که از ظاری است؛ توقیر و انتظار از افرادی است که ادعای دینی و انسانی و اسلامی و به ویژه شیعه دارند؛ آری آیت‌الله العظمی حکیم همچون اجداد طاهرينش سوخت و ساخت تا آخر عمرش که عاقل سعیداً و مات سعیداً، جان به جان آفرین تسلیم نمود. و آنگاه فهمیدند و دانستند که چه نعمت بزرگی را خداوند متعال از آنها گرفته است.

به فکر افتاد تا در همین مقدمه، ذکر خیر و یادی از یکی از فرزندان آیت‌الله العظمی حکیم یعنی شهید آیت‌الله سید محمدباقر حکیم که مدتی را در ایران به سر می‌برد و از او خاطراتی در ذهنم هست، بنویسم: دفتر کار قم ایشان نزدیک دفتر کار ما بود و بعضی اوقات خدمتشان می‌رسیدم و مطالبی را عرض می‌کردم. در یکی از سفرهای حج ده ساله توفیق داشتم و در بعثه مقام معظم رهبری بودم با شهید سید محمدباقر و آقازادگان محترمشان همسفر بودیم و از ایشان معلومات معنوی بسیاری در این سفر دریافت نمودم. در مراسم روضه‌خوانی‌ها و اعیاد که بیشتر مربوط به آقایان معاودین بود، شرکت می‌کرد.

فراموش نمی‌کنم که به بیت محترم آیت‌الله حاج شیخ محی‌الدین ممقانی ابوالزوجه‌شان و بیت آیت‌الله حاج شیخ کاظم خوانساری که از دوستان صمیمی‌اش بود، رفت و آمد داشت و مقید به شرکت در مجالسشان بود که حقیر نیز شرکت داشته و آنجا نیز با ایشان صحبت‌های مفصلی داشتیم. گاهی در بعضی از مراکز و مجالس خود به منبر تشریف می‌بردند بخصوص در ایام عاشورای حسینی. حتماً شنیده و یا در سایت‌ها دیده‌اید که در وقت روضه خواندن، سوره از خود پیخود می‌شد که حتی عمامه از سر بر می‌داشت و به زمین می‌کوبید و به سوره سورت خود می‌زد.

باز به یاد دارم که بعد از شهادت در نجف اشرف که داستان مفصل آن را در جراید و کتاب‌ها می‌خوانیم، مجلس ترحیم، پیر در مسجد ارک تهران از طرف جمهوری اسلامی و مردم تشکیل شده بود که امام‌المسلمین جناب آقای حاج شیخ حسن روحانی که اکنون ریاست جمهوری ایران را بر عهده دارند در آن مراسم منبر رفتند و ضمن مطالبی درباره شهید سید محمدباقر حکیم، جمله‌ای عجیب نقل کرد: آنگاه که آقای حکیم با ما خداحافظی می‌کرد این جمله را تکرار می‌نمود که گویا با در و دیوار دنیا و مملکت ایران دارم خداحافظی می‌کنم.